

سیف‌الله و حیدر نیا

پارلمان ایران

دوره اول



مملکت بکند و نام خود را ازین جهت همیشه
مخلد و جاوید نگاهدارد.

اکنون پس از این مقدمه کوتاه
یادداشتی در نهایت اختصار پیرامون مجلس
اول می‌آورم و از خدا می‌خواهم که توفیق
دهد تا این بحث را در شماره‌های بعد نیز
دنبال کنم و یادداشت‌های فراوانی را که طی
چند سال مطالعه و بررسی در اسناد مربوط

هم چنانکه در یکی از شماره‌های
پیشین مجله متذکر شدم راجع به مجلس
شورای ملی ایران تاکنون تحقیق دقیق و
جامعی نشده است و کتابی مستقل در این
زمینه به رشته تحریر درنیامده است.

راجع به انقلاب مشروطیت ایران
نیز با آنکه کتابهایی چند تصنیف شده لیکن
هنوز خیلی مطالب گفنی و نوشتنی هست که
باید گفته شود و بر صفحه کاغذ آید زیرا
تاریخ مشروطیت، تاریخ بزرگترین انقلاب
و تحول در رژیم و اداره امور مملکت است
و هر چه زمان بگذرد اسناد و مدارک مربوط
به آن دوران بیشتر دستخوش نابودی قرار
می‌گیرد.

برقوه مقننه است که چاره‌ای بیندیشد

و تنی چند از محققان ذیصلاح معاصر را
مأمور جمع آوری مدارک تاریخ جامع
مشروطیت کند و مقدماتی برای تهیه
و تدوین چاپ و نشر آن فراهم آورد.

انجام این امر یکی از بزرگترین
خدماتیست که قوه مقننه می‌تواند بتاریخ

به مشروطیت و پارلمان ایران فراهم آورده ام
بتدریج بر صحایف این نشریه نقل کنم .
ان شاء الله.

فرمان مشروطیت روز چهار دهم
جمادی الثانی سال ۱۳۱۴ هجری قمری به
وسیله مظفر الدین شاه صادر گردید .



مظفر الدین شاه

در این فرمان گفته شده است: «چنان
مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین
شاهزادگان و علماء و قاجاریه و اعیان و
اشراف و ملاکین و تجار و اصناف با انتخاب
طبقات مرقومه در دار الخلافه طهران تشکیل
و تنظیم شود که در مهام امور دولتی و مملکتی
و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازمه بعمل
آورده و به هیئت وزرای دولتخواه ما در
اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران
خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنماید و

در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در
خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات
قاطبه اهالی مملکت بتوسط شخص اول
دولت بعرض برساند که بصره هم یونانی موشح
و بموقع اجرا گذارده شود...»

صدور این فرمان مردم آزاده وطن
را خرسند و خوشحال کرد ولی قانع نساخت
و علما و روحانیان و طبقات مختلف مردم
که در قم و تهران متحصن بودند این
فرمان را جامع و شامل ندانستند و از تحصن
خارج نشدند لذا در تعقیب فرمان مشروطیت،



عضد الملک نایب السلطنه

مظفر الدین شاه فرمان دیگری صادر کرد و
طی آن متذکر شد که: «... بسرای آنکه
عموم اهالی و افراد ملت از توجهات کامله
همایون ما واقف باشند امر و مقرر میداریم
که مجلس مزبور را بشرح دستخط سابق
صریحاً دائر نموده بعد از انتخاب اجزاء

مجلس فصول و شرایط نظام مجلس شورای ملی اسلامی را موافق تصویب و امضای منتخبین بطوریکه شایسته ملت و مملکت و قوانین شرع مقدس باشد مرتب نمایند که بشرف عرض و امضای همایونی ما موشح و مطابق نظامنامه مزبور این مقصود مقدس صورت و انجام پذیرد.»

پس از صدور این فرمان مشیرالدوله صدر اعظم و جمعی از تجار به قم رفتند و علمای رابه تهران بازگرداندند و متحصنین سفارت نیز از تحصن بدر آمدند.



مشیر الدوله

عمر شیب بیست و هفتم جمادی الثانی در عمارت مدرسه عالی نظام که موقتاً برای انعقاد مجلس شورای ملی معین شده بود مجلس تشکیل شد و عضد الملک از طرف شاه پذیرائی می کرد در این مجلس مشیرالدوله طی سخنانی گفت: «... از آنجا که ترتیب قوانین انتخابات و سایر فصول نظامنامه این مجلس شورای ملی باید با کمال دقت

موافق دستخط مبارک ترتیب شود... اولیای دولت اهتمام بلیغ خواهد نمود... که لایحه قواعد انتخابات و نظامنامه مجلس شورای ملی بزودی موافق دستخط همایونی از چهاردهم جمادی الاخر ترتیب و اعضای مجلس ملی در تهران جمع و با افتتاح این مجلس محترم مبادرت شود...»

پس از آن در روز ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ (۱۳ مهر ۱۲۸۵ شمسی = ۱۷ اکتبر ۱۹۰۶ میلادی) مجلس با حضور مظفرالدین شاه در عمارت گلستان افتتاح شد و شاه با حال کسالت و در وضعی که دو تن بازوی او را گرفته و بر تخت می نشاندند گفت: « سالها در آرزوی چنین روزی بودم و خدا را شکر که به آرزوی خود رسیدم، و حالت رقت و گریه با او دست داد و سپس خطا به افتتاحیه قرائت شد.

در این خطابه گفته شده بود: « منت خدای را که آنچه سالها در نظر داشتیم امروز بپوشش تعالی از قوه بفعل آمد و به انجام آن مقصود و مهم به عنایات الهیه موفق شدیم. زهی روز مبارک و میمونی که روز افتتاح مجلس شورای ملی است مجلسی که رشته های امور دولتی و مملکتی را بهم مربوط و متصل می دارد و علائق مابین دولت و ملت را متین و محکم می سازد. مجلسی که مظهر افکار عامه و احتیاجات اهالی مملکت است مجلسی که نگهبان عدل و داد شخص همایون ماست در حفظ ودایمی که واجب الوجود بکف کفایت ما سپرده، امروز روزیست که بر و داد و اتحاد بین

دولت و ملت افزوده می شود و اساس دولت و ملت برشالوده محکم گذارده می شود . و امروز روزی است که یقین داریم رؤسای محترم ملت و وزرای دولتخواه دولت و اعیان و اعیان و تجار و عموم رعایای صدیق مملکت در اجرای قوانین شرع انور و ترتیب و تنظیم دوائر دولتی و اجرای اصلاحات لازمه و تهیه اسباب و لوازم امنیت و رفاهیت قاطبه اهالی وطن مابکوشند و هیچ منظوری نداشته باشند جز مصالح دولت و ملت و منافع اهالی و مملکت و البته می دانند که نیت اساس مقدسی که به ملاحظات شخصی مشوب و مختل نشود و باغراض نفسانی فاسد نگردد . حالا بر انتخاب شدگان است که تکالیف خود را چنانچه منظور نظر دولت و ملت است انجام بدهند ... دست خدا همراه شما . بر روید مسئولیتی که بر عهده گرفتهاید با صداقت و درستی انجام بدهید و بفضل قادر متعال و توجه ما مستظهر و امیدوار باشید .

مجلس اول همانطور که در فرمان مشروطیت نیز ذکر شده و در ماده اول نظامنامه انتخاباتی آمده است یک مجلس صنفی بوده و شاهرادگان ، علماء و طلاب ، اعیان و اشراف تجار و ملاکین ، فلاحین و اصناف در آن شرکت داشتند .

اسامی و کلاهی دوره اول بدین شرح بوده است : صنیع الدوله ، احتشام السلطنه ، سعد الدوله ، مشارالملك ، دبیرالسلطان ، نصرت السلطان ، نصر الملك ، صدیق حضرت ، عون الدوله ، سید باقر سادات اخوی ، سید الحکما ، سید ابراهیم اخوی ، مشارا -

لممالک ، شهاب الدوله ، ثقة السلطنه . امجدالسلطان . معظم الملك ، امیرعلیخان امیر سلیمانی ، حاج مجدالسلطنه ، شیخ علی مدرس نوری ، میرزا محسن ، شیخ محمد تقی گرگانی ، میرزا طاهر تنکابنی ، سید نصراله سادات اخوی ، سید مرتضی مرتضوی و ثوق الدوله ، معین التجار بوشهری ، محمد اسماعیل آقا مغازه ، محمد تقی شاهرودی ، محمد علی شال فروش ، مخبر الملك ، میرزا محمد تاجر اصفهانی ، سید محمد صراف ، سید آقا تیر فروش ، محمد ابراهیم وارث ، محمد تقی بنگدار ، ابراهیم خیاطباشی ، سید احمد زرگر باشی ، شیخ ابراهیم بلور فروش ، امین التجار کردستانی ، مشهدی باز بقال شیخ حسنعلی علاقبند ، استاد حسن معمار باشی ، پنجه علی ، ملا حسن وارث ، مدیر الاسلام بروجردی ، شیخ حسین تهرانی ، شیخ حسینعلی دلال ، حاج عباس قلی نانوا ، عبدالوهاب کلاهدوز ، علی اکبر پلویی ، سید محمد ساعت فروش ، کربلائی غلامرضا چمدان ساز ، محمد باقر صابون پز ، سید محمد تقی هراتی ، میرزا محمود کتابفروش ، سید مهدی سقط فروش ، سید مصطفی سمسار ، سید ولی اله خان نصر ، حاج محمد تقی تاجر ، میرزا حسینعلی ماهرو زاده ، حاج حسینعلی واعظ ، آقا میرزا حسن ، حاج سید مصطفی ، ارباب جمشید ، میرزا حسینعلی سیکاری ، مستوفی الممالک شیخ حسین یزدی ، حکیم الملك ، امان اله میرزا ، مجدالملك ، معاضد السلطنه ، شیخ محمد علی تهرانی ، حسینعلی خان نواب ، میرزا

سليمان خان ، بيان السلطنه ، ميرزا حسن خان ساعدالوزاره ، ميرزا سيد مهدي معتمد التوليه ، ميرزا ابراهيم آقا تبريزي (در واقعه توب بستن مجلس درپارك امين الدوله كشته شد) ، تقى زاده ، شرف الدوله ، احسن الدوله ، مستشارالدوله ، حاج ميرزا فضلعلی آقا ، ميرهاشم تبريزی ، حاج محمد آقا حریری ، حاج ميرزا آقا فرش فروش ، هدايت الله ميرزا ، اعتماد الملك ، امام جمعه خوئی ، سيد محمد حسن ثقة الاسلام ، سيد جعفر ، فخر السادات ، حبيب الله قوام ديوان ، ميرزا محمد علی خان ، حاج شيخ يوسف ،

ميرزا ابوالحسن خان شيرازی ، حاج امين-التجار شيرازی ، رضا مهدوی رئيس التجار سيد عبد الحسين شهشاهانی ، ميرزا علی آقا مجتهد ، يحيی ميرزاالسان الحکما ، ميرزا آقا بابا قوام السادات ، حاج ابراهيم عميد السلطنه ، سيد هاشم احتشام الاطباء ، محمد حسن بجنوردی ، بحر العلوم کرمانی ، ميرزا هدايت الله شمس الحکما ، محسن خان قاجار ، آقا نصراله معاون التجار ، شيخ يحيی کرمانی ، ميرزا حسن کرمانی ، محمد علی کرمانی ، ميرزا علی اديب التجار نقشينه ، حاج اسماعيل ديبري اصفهانی ، ميرزا محمد هادی جواهری اصفهانی ، ميرزا مرتضی قليخان نائینی ، دکتر محمد مصدق (اعتبار نامه ايشان بسبب صفر سن رد شده است) ، اشرف الادبا ، آقا ميررضی- بحر العلوم ، شيخ حسن حسام الاسلام ، شيخ حسين ملك المعالی ، ميرزا محمد عليخان رحمت آبادی ، محمد يزدي وكيل التجار ، ديبر رسائل لاهیجی ، ميرعلماء ، ميرزا سيد علمینقی ، حاج محمد تقی استر آبادی ، حاج شيخ غلامحسين استر آبادی ، شيخ محسن خان مفتخر الممالك ، محمد علی تاجر

مازندرانی ، شيخ حسين شهیدی ، ميرزا حسين طيب ، شيخ ابراهيم زنجانی ، ميرزا بزرگ همدانی مقبل لشکر ، ميرزا محمد باقر اديب گلپایگانی ، ميرزا اسماعيل خان ممتاز الدوله ، ميرزا سيد حسن خان کاشانی ، ميرزا نظام الدين شيخ علی محمد علائی صدر العلماء ، شيخ عبدالکریم ، عماد السلام ، فتح الله خان بيگدلی ، شيخ محمود واعظقی ، ميرزا جواد خان مؤتمن الملك ، اسدالله ميرزا مشيرالسلطان ، سيد علی بروجردي (صدرالاسلام) ، شيخ محمد باقر مشايخي ، سيد علاء الدين ، حاج شيخ محمد تقی ، وكيل



صنيع الدوله رئيس مجلس اول

الرعايا ايراني ، حاج محمد صالح خان مؤيدالوزار ، حاج ملك محمد کرمانشاهی حاج ميرزا محمد علی صدر التجار نقشينه شيخ اسماعيل ، شيخ محمد قاسم كاظمه مجتهد. پس از گشايش مجلس در جلسه روز دوشنبه ۱۹ شعبان ۱۳۲۴ صنيع الدوله به رياست دارالشورای ملی انتخاب گردید و آقایان وثوق الدوله و حاج امين الضرب نیز به معاونت او برگزیده شدند و مجلس رسماً کار خود را شروع کرد . (بقیه در صفحه ۳۴)

همانطوری که میرزا باقر خان پدر قول داده بود بر اثر نامه تهدیدآمیز کمیته مجازات و مذاکرات میرزاعلی اکبر ارداقی تحقیقات خود را از متهمین قتل دواتگر و میرزا اسمعیل خان ختم و آنان را پس از چندی آزاد نمود. مساعدتهای ذقیمت میرزا باقر خان پدر در پیشرفت‌های بعدی کمیته مجازات مؤثر و اگر کمک‌های او نبود اساس کمیته مجازات در بدو تشکیل از هم پاشیده و متلاشی شده بود.

عصر همان روزی که بین میرزا علی اکبر ارداقی و میرزا باقرخان پدر ملاقات سه ساعته‌ای روی داد کمیته مجازات جلسه خود را در منزل (منشی زاده) تشکیل و صورت اسامی کسانی را که از نظر کمیته مستحق و مستوجب مجازات اعدام می‌باشند مورد مطالعه قرار داده که این قسمت را از یادداشت‌های مرحوم میرزا علی اکبر ارداقی ذیلا نقل می‌کنیم:

« ارداقی - قبل از هر چیز باید مهر و جعبه چاپ ژلاتین برای کمیته تدارک شود که بیان نامه‌ها به مهر کمیته مجازات مهور گردد. »

« منشی زاده - مهر کمیته باید به همان شکلی که پیشنهاد کرده‌ام ساخته شود. یعنی روی گلوله کلمه (مجازات) و بر پوسته فشنگ کلمه (کمیته) قید و حک گردد که گلوله (مجازات) بر قلب خائن فرو نشیند و پوسته فشنگ (کمیته) بر جای خود باقی بماند و مصلحت آنست که این دو کلمه را جداگانه به دو نفر سفارش دهیم و به جای کلمه (مجازات) کلمه (مخابرات) حکاکی شود که بعداً آن را به (مجازات) تبدیل خواهیم کرد. »

ابوالفتح زاده - تا زمانیکه مهر و چاپ ژلاتین تهیه شود امشب باید معلوم گردد که کمیته چه کسی را باید از میان بردارد تا وقفه‌ای در کار کمیته مجازات تولید نشود. (نا تمام)

بقیه از صفحه ۷۲

مجلس اول بعثت مخالفت بسا محمد

علی شاه، از طرف وی بتوب بسته شد و قبل از پایان دوره تعطیل گردید و وکلا تارومار شدند و جمعی از آنان بچنگ درخیمان باغ شاه افتادند و با گروهی دیگر از آزادی - خواهان شربت شهادت نوشیدند...

در پایان عکسی از یک تفرقه انتخابات

دوره اول گراور می‌کنیم

پس از آن ریاست به آقایان میرزا محمد خان احتشام السلطنه (علامیر) و میرزا اسماعیل خان ممتاز الدوله رسید. در این دوره قانون اساسی و متمم آن و همچنین نظامنامه داخلی مجلس تصویب شد و بتوشیح محمد علیشاه که بعد از مرگ پدرش زمام امور را بدست گرفته بود رسید.

